

مجید انصاری تأکید کرد

ضرورت افزایش روابط اصلاح طلبان با رهبری



رئیس قوه قضاییه:

آشتی ملی موضوعیت ندارد

هیات ویژه رئیس جمهور برای بررسی حادثه پلاسکو نخستین گزارش خود را از روند کاری داد

گزارش «پلاسکو» محرمانه نیست

رئیس هیات ویژه رئیس جمهور: پیگیر مصاحبه با قالیباف و همکارانش درباره پلاسکو هستیم



کیهان کلهر، کمانچه نواز مشهور ایرانی اسکار موسیقی را به همراه گروه «جاده ابریشم» برد تا «ایران» برایم بنواز!

گفت و گوی «اعتقاد»
با محمد جواد حق شناس

احمدی نژاد تاوان اشتباه اصلاح طلبان بود



سر مقاله

روزنامه اعتماد

شورای نویسندگان

توقف سواری گرفتن مجانی!

اطلاعیه آقای احمدی نژاد درباره اینکه وی عضو هیچ جناح و حزبی نیست و خود را قاطعاً از اقیانوس زلال ملت ایران می داند و از هیچ فرد و جناح و حزبی در انتخابات حمایت نخواهد کرد را چگونه می توان تحلیل و تفسیر کرد؟ وی در این اطلاعیه به ظاهر غیر منطقی می رسد و معلوم نیست شأن نزول آن چیست، خواسته است نوعی پیشدستی کند و جلوی سوءاستفاده احتمالی از نام خودش را از سوی برخی نامزدهای جناح اصولگر بگیرد. به همین دلیل متذکر می شود که: «از هیچ فرد یا جناح و حزب و گروهی حمایت نکرده و نخواهم کرد. این موضع قطعی و غیر قابل تغییر اینجانب است. ممکن است برخی افراد یا جریانها و جناحها به خاطر منافع گروهی، اخبار و شایعاتی تحت عنوان حمایت از شخص خاصی به نقل از اینجانب منتشر نماید. صریحاً اعلام می نمایم که این نوع شایعات و اخبار حتی اگر از زبان نزدیکان اینجانب باشد، خلاف واقع است و قویاً تکذیب می شود.» واقعیت چیست؟ او از ابتدای حضورش در انتخابات سال ۱۳۸۴ و به ویژه پس از پایان دور اول داشت، این بود که تمام آرای او منحصر به خودش است و اصولگرایان هیچ نقش و سهمی در این آراء ندارند و او نیز خود را مدیون انسان نمی داند. این نکته همواره از سوی او تأکید می شد ولی به نظر می رسد که اصولگرایان به ویژه بخش سنتی تر آن علاقه ای به پذیرش این نظر او نداشته اند. در نتیجه در عمل و در تبلیغات رسمی خود را به او می چسباندند و موفقیت و آرای او را به او می چسباندند. علت این رفتار اصولگرایان روشن بود. زیرا از یک سو و پیشاپیش دوگانه اصلاح طلب و اصولگرا را پذیرفته بودند و جایی برای جریان سوم قابل نبودند. از سوی دیگر می خواستند از دولت او سهم خواهی کنند و بالاخره به لحاظ روانی با گفتند که ما توانسته ایم در انتخابات ریاست جمهوری موفقیت کسب کنیم.

را نزدیک به احمدی نژاد نگه داشت تا بلکه از ظرفیت انتخاباتی که برای او مفروض می گیرند، استفاده کنند. ولسی این اطلاعیه تیر خلاصی بود به کوشش های این جریان که می خواهد از ظرفیت فرد دیگری به صورت مجانی استفاده کند و به قول معروف سواری مجانی بگیرد. ولی چسرا چنین اقدامی بیا در واقع اقدام پیشدستانه ای از طرف احمدی نژاد به عمل آمد؟ به چند دلیل. اول اینکه احمدی نژاد می داند که حتی اگر در میان بخشی از مردم رای داشته باشد که فارغ از کم و کیف آن، وی چنین رای را دارد و ممکن است کف آن به ۱۵ درصد آرا برسد، (بر اساس شواهد و اطلاعات و نظرسنجی ها) ولی سقف آن می تواند بیشتر باشد، ولی دو نکته مهم در این میان موجب می شود که وی این ظرفیت را به دیگران منتقل نکند. یکی اینکه حتی اگر ۱۵ درصد آرا بتواند منتقل کند، فردی که مورد حمایت او قرار می گیرد نمی تواند رای چندانی به این آراء اضافه کند و شکست می خورد و این به نام احمدی نژاد تمام خواهد شد. در حالی که اگر خودش در میدان باشد، قادر است این کف را تا حد زیادی افزایش دهد. نکته بعدی اینکه همان ۱۵ درصد نیز قابل انتقال نیست. رای مثل پول نیست که آن را به حساب دیگران بتوان راریز کرد. اشتباهی که در انتخابات دور هشتم مجلس اصلاح طلبان مرتکب شدند و گمان کردند که رای و محبوبیت افرادی که به او منتسب می شوند قابلیت انتقال دارد و چنین نشد. بنابراین جدای از این اقدام نامزد اصولگرایان، او در مقام حفظ و دفاع از یک سرمایه سیاسی است که گمان کردند که رای و محبوبیت مخصوص خودش است. علت دیگر بی اخلاقی اصولگرایانی است که می خواهند آرای فرضی احمدی نژاد را به ارث ببرند، در حالی که خودشان کمر به قتل سیاسی او بستند و این خلاف اخلاق و حتی قانون است، زیرا ضارب از ضروب ارت نمی برد و قتل یکی از موانع ارت است! وقتی که اصولگرایان پس از پایان دوره احمدی نژاد به خیال آنکه دیگر استفاده ای از او نمی توان کرد، با او رفتاری را کردند که انتظارش را نداشت. طبیعی است که او نیز امروز آنان را از میراث بری سیاسی خود منع کند. هر چند این میراث تا حدی می تواند خیالی باشد. پیش بینی می شود که در آینده و تا زمان انتخابات این شکاف و تضاد بیش از این نیز خواهد شد. بنابراین اصولگرایان بهتر است دور میراث بری سیاسی از احمدی نژاد را خط بکشند. از این راه ای برای سیاست آنان گرم نمی شود.

نگاه فرهنگی

امیر مقامی

استاد یار مدعو دانشگاه اصفهان

خط قرمزهای صداوسیما

در هفته های اخیر، بسیاری از گزارشگران، خبرنگاران، روزنامه نگاران و شهروندان با استفاده از قابلیت پخش زنده بعضی شبکه های اجتماعی مثل اینستاگرام، همراهان خود را در جریان جزئیات رویدادها قرار دادند. مراسم بزرگداشت ۲۲ بهمن، نشست اختتامیه جشنواره فیلم فجر و شهر آورد تهران از جمله این رویدادها بود. به زودی، قابلیت های پخش زنده این شبکه ها توسعه خواهد یافت و رسانه های با اصطلاح رسمی و سنتی و رقیب جدید دیگری را پیش روی خواهند دید. احتمالاً در واکنش به این توسعه، ضمن نقدی آسیب شناسانه، با هم به رسانه های سنتی مثل روزنامه ها و تلویزیون و رادیو - و احتمالاً سایت های خبری هم در این دسته خواهند بود - توصیه خواهد شد که وجهه تحلیلی خود را بر رویکردهای خبری توصیفی غالب سازند. نگارنده نیز به عنوان یک شهروند، به ویژه در غیاب یا تأخیر رسانه های سنتی و به خصوص صداوسیما در پوشش رویدادها، تمایل دارد حتی امکان از قابلیت های پخش زنده بهره به بر مسیم آن اقدام کند. اما فاجعه دقیقاً کجا اتفاق می افتد؟ یک مثال مشخص در این زمینه وجود دارد: من سخنرانی های آقایان داود نژاد و جلیلووند در نقد صداوسیما را به طور زنده در اینستاگرام مشاهده کردم، اما صداوسیما این مراسم را با دو ساعت تأخیر پخش کرد و تنها ۳ دقیقه از آن را حذف کرد، دقیقاً همان ۳ دقیقه ای که موضوع انتقاد از صداوسیما بود. باید از مدیران صداوسیما پرسید که آیا با حذف این بخش ها، جامعه از انتقادات داود نژاد و جلیلووند مطلع نشد؟ اگر شد، پس دقیقاً چه هدفی از این حذف داشته اند؟ و آیا برای شان قابل پیش بینی نبوده است که آنچه ایشان حذف می کنند، دیگران دست به دست می گردانند؟ مساله اکنون: انتقاد از صداوسیما در قبال

رویکردش نسبت به سینما نیست، بلکه مساله نگاه و رویکردی است که هنوز تحولات رسانه ای دنیا را نمی شناسد و با ابزارها و مفاهیم قدیمی کار می کند. چنین صداوسیمایی در بزنگاه های حساس تر چگونه منبع اعتماد و اطمینان مردم خواهد شد و به وحدت و امنیت کشور کمک خواهد کرد؟ در یک تجربه بسیار طولانی، مطمئن هستیم که چاره، کند کردن زیرساخت های ارتباطی در کشور نیست و می دانیم که دموکراسی رسانه ای با تمامی آسیب های پیش می تازد و هیچ شکی نداریم که با این رویکرد که متعلق به دهه ۹۰ میلادی و پیش از آن است و به نفعی و نهی و انکار متمایل است یا پذیرش و مدیریت، هرج و مرج بیشتر در فضای مجازی و آسیب های شدید به روابط اجتماعی در پیش رو خواهد بود. گذر از این رویکرد بسنه، انفعالی و مضر نیازمند شناخت فضای جدید رسانه ای است و با مخالفت های بسیاری نیز روبه رو خواهد شد. از جمله بعضی خواهند پرسید: اگر مردم به همه چیز دسترسی آزاد دارند، آیا صحیح است که رسانه های عمومی هم همان ها را ترویج کنند؟ پاسخ را باید در نفعی مطلق انگاری نرفته در سوال جست رسانه ای است و با مخالفت های بسیاری نیز روبه رو خواهد شد. از جمله بعضی خواهند پرسید: اگر مردم به همه چیز دسترسی آزاد دارند، آیا صحیح است که فرمز ساختگی که بسیاری از آنها غیر متعارف، سیاست زده، تعارفی و از حیث ضرورت های قانونی و شرعی، غیر ضروری هستند باز تعریف شوند. مثلاً همین انتقاد از صداوسیما به چالشی حذف می شود؟ وقتی انتقاد از صداوسیما در خصوص رابطه اش با سینما، خط قرمز تلقی می شود، تکلیف بسیاری از گروه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز روشن است. سرمایه رسانه، مخاطب است و صداوسیما به سادگی این سرمایه را در برابر هجوم رسانه های خارجی که گفته می شود سازمان یافته هستند و در برابر رسانه های مجازی و حتی در برابر بسته های خوش ذوق دهه هفتادی موبایل به دست، از دست می دهد.

نگاه

مهر داد احمدی شیخانی

استاد دانشگاه

آدم ها را نگه داریم

آن موقع ها (این یکی آن موقع ها یعنی حدود ۲۸ سال پیش) که هنوز دانشجوی معماری بودم و سرم پر از یاد بود و دستم نیامده بود که چی به چی هست، با دوستی برای خودمان یک دفتر طراحی معماری باز کرده بودیم که مشاغل سفارش کار بگیریم و تحولی در دنیای معماری ایجاد کنیم و «لوکوروبوز» ای بشویم برای خودمان در عالم معماری. خلاصه روایه های داشتیم و فکر می کردیم گذشته معماری کشورمان آفتدر غنی هست که برویم و بشویم فلان بیسار. اما وقتی این دفتر معماری را راه انداختیم تازه اول ماجرا شد و اینکه چه کسی می آید به دوتا دانشجوی معماری صفر کیلومتر کار بدهد؟ پیش خودمان گفتیم اشکالی ندارد، می رویم سراغ دفاتر معماری معروف و از آنها کار دست دوم می گیریم. بعد طراحی می کنیم و دهان شان باز می ماند از این همه تیوغ و دو سال نشده اسم شان سر زبان ها می افتد و سفارش دهنده ها جلوی دفترمان صف می کشند و ما تا می کنیم که کار متعلق به یک دفتر معماری بود که یک سینماگر معروف که آشنایی قبلی داشتیم با او، مدیریتش می کرد. سینماگری که از معماری به سینما گریز زده بود.

نمی دانم یادتان هست تا چند سال پیش جلوی ورودی پارک لاله تهران چند تارغرفه بزرگ بود با یک حوض؟ قبلاً جلوی پارک یک محوطه خالی بود. قرار بود برای این محوطه طرحی زده شود از غرفه هایی که متلاش بود یک فضای فرهنگی. کار را ما دست دوم گرفتیم و مشغول طراحی شدیم. ایده مان را هم از فضای «هشتی» معماری ایرانی گرفتیم و با یک سقف شیشه ای و خلاصه به «بنیادین» خیال مان دیگر شاهکار کرده بودیم. طرح را دادیم و کلی به به و چهچه شنیدیم و یک دستمزدی گرفتیم و خلاص.

تیتراهای امروز

اهوازی ها جلوی فرمانداری
و استانداری جمع شدند

اعتراض مردم به بحران خوزستان

مطهری برای ادای توضیحات به دادگاه ویژه روحانیت رفت

یحیی سنوار، جانشین هنیه شد

خانه تکانی های سیاسی - نظامی

در حماس

گزارش «اعتقاد» از حداقل دستمزد

چالش مزد و معیشت به کجا می رسد؟

عیسی کلانتری

دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه

نسل آینده مجبور به مهاجرت می شود



فاشیسم

واکنشی به چپ

گفت و گو با مهدی تدینی مترجم و پژوهشگر درباره نسبت افراط گرایی و محافظه کاری جدید

در پی کشف ۹ میدان نفتی و گازی

پیمانۀ نفتی ایران پر تر شد



گفت و گو با آزاده صمدی به بهانه

ایفای نقش در «آیس لند»

تئاتر قلبم را

به هیجان می آورد

گفت و گوی «اعتقاد» با یک کسبه پلاسکو که گاوصندوق اشتباهی را به پلیس برگرداند

همیشه همه چیز

سیاه نیست

جدیدترین مدل های پوشاک فصل در فروشگاه های
ماکسیم
پوشاک نسل امروز... و فردا
maxim COLLECTION
روابط عمومی و بازرگانی: ۸۸۸۸۸۸۱۵
www.maximiran.com @maximclothes

شماره ۱۰۰۰۰۰۰۰
منتشر شد
با ما در کانال تلگرامی گروه رسانه ای اعتماد باخبر باشید
@EtemadMedia

کالای شمارا ما معرفی میکنیم
سازمان آگهی های روزنامه اعتماد
تلفن: ۶۶۱۲۴۰۲۵

با ما در کانال تلگرامی گروه رسانه ای اعتماد باخبر باشید
@EtemadMedia